

پرنیاز ایزدیان: دیگر نقش «روح» را بازی نمی‌کنم



بازیگر نقش «روح» در مجموعه تلویزیونی پنج کیلومتر تا بهشت گفت: فکر نمی‌کنم که دوباره نقش یک روح را بازی کنم و به سراغ نقش‌های دیگر می‌روم، کلیشه شدن بد است و نمی‌خواهم به این ورطه بیافتم.

گفت‌وگوی فارس با #171;روح« سریال #171;پنج کیلومتر تا بهشت«؛ پرنیاز ایزدیان: دیگر نقش #171;روح« را بازی نمی‌کنم
بازیگر نقش #171;روح« در مجموعه تلویزیونی پنج کیلومتر تا بهشت گفت: فکر نمی‌کنم که دوباره نقش یک روح را بازی کنم و به سراغ نقش‌های دیگر می‌روم، کلیشه شدن بد است و نمی‌خواهم به این ورطه بیافتم.
به گزارش خبرنگار رادیو و تلویزیون فارس، سریال #171;پنج کیلومتر تا بهشت« به کارگردانی علیرضا افخمی شب‌های رمضان به عنوان اولین سریال پس از افطار روی آنتن می‌رود.
بنا بر این گزارش، بازیگران اصلی این سریال نظیر داریوش فرهنگ، پردیس افکاری، شبنم قلی‌خانی، مهدی سلوکی و ... همه از چهره‌های شناخته شده تلویزیون هستند، اما نکته جالب توجه حضور بازیگری با چهره جدید است که در میان این چهره‌ها توانسته در اولین حضور جدی خود در تلویزیون، مخاطبان را به سوی جلب کند.
این بازیگر جدید ایفاگر نقش #171;روح« است، دختری که حدود 20 سال است به کما رفته و زندگی نباتی دارد، جسم او توسط پدر و مادرش پرستاری می‌شود و روح او نیز حوالی جسمش پرسه می‌زند.
این روح سرگردان #171;پرنیاز ایزدیان« نام دارد که گفت و گوی فارس با این بازیگر تازه وارد را در ادامه می‌خوانید:

*حضور در پروژه تلویزیونی #171;پنج کیلومتر تا بهشت« اولین حضور شما در تلویزیون است؟

خیر. اولین تجربه که نیست. من قبل از این کار، تجربه تلویزیونی و سینمایی داشته‌ام منتها این سریال اولین تجربه سریال من بوده است.

*پیش فرض و زمینه ذهنی‌تان برای اجرای نقش یک روح چه بود؟ آن هم در یک اثر تلویزیونی مناسبی، که قطعاً بینندگان بسیاری را با خود همراه می‌کند و اولین حضور پر رنگ شما نیز در تلویزیون محسوب می‌شود؟

-برای اینکه هیچکدام ما هیچ تصویری از روح نداریم و مشخصاً نه هیچکدامان یک روح را از نزدیک دیده‌ایم و نه تصویری از آن در ذهن‌مان هست، بنا بر این من هم تصویر خاصی در ذهنم نبود به جز آن مسائلی که در تمام فیلم‌های ماورائی چه خارجی و چه ایرانی همیشه مطرح می‌شده است. مانند فیلم روح که نمونه آمریکایی آن است یا در فیلم‌های ایرانی هم کمابیش. ولی تصویر خاصی نبود، فقط طبق کتاب‌هایی که خوانده بودم و چیزهایی که شنیده بودم یک تصویر کلی در ذهنم بود.

*برای تصویر و ظاهر این روح چطور تصمیم‌گیری شد؟

-مسلم‌ا سریال متعلق به تلویزیون جمهوری اسلامی ایران است و مساله کاملاً مشخصی است. در نتیجه تصویر خیلی عجیب و غریبی نمی‌توانیم در ذهنمان داشته باشیم و یک تصویر ساده را نشان دادیم.

*ما در تصویر روح طی سال‌های اخیر خلاقیت خاصی از خود نشان نداده‌ایم و معمولاً همه روح‌ها با لباس‌های سفید می‌آیند و دور جسم خود پرسه می‌زنند. ولی روح داستان #171;پنج کیلومتر تا بهشت« این بار لباس سفید نپوشید.

-آقای افخمی و آقای ظریف طراح صحنه و لباس سریال به این نتیجه رسیدند که بهتر است این آدم با همان شکل و لباسی که به کما رفته دیده شود، ما روح امیرحسین هم با همان لباسی می‌بینیم که زمان به کما رفتن پوشیده بود.

* در روایت سریال، وقتی امیرحسین به کما می‌رود فقط با روح این خانم که نامی هم انگار در سریال ندارد مواجه می‌شود، در حقیقت انگار هیچ روح دیگری وجود ندارد. حال شاید چند روح دیگر هم باشند که آنها هم به کما رفته باشند، چرا امیرحسین آنها را نمی‌بیند؟

-اسم این خانم روح طی قسمت‌های آینده مطرح می‌شود و همین موضوع نیز از جمله مواردی بوده که دوست داشتند دیرتر گفته شود. مساله دیگری که وجود دارد این است که این طور در قصه بیان شده که این روح‌ها حول و حوش جاهایی که کار دارند دیده می‌شوند. مثلاً این دختر امیرحسین را در گندمزاری پیدا کرد که قبلاً متعلق به پدرش بوده و چون خانه‌شان آنجا بوده به آن خانه سر می‌زند و خاطرات قدیمی‌اش را مرور میکند. یا دور جسم‌شان پرسه می‌زنند. مثلاً این دختر یا به خانه‌شان که جسمش آنجاست سر

می زند یا در گندمزار و جاهایی که خاطره دارند.

حال من نمی دانم شاید هم این روح ها که سرگردان هم هستند به این شکل نیست که همینجوری پرسه بزنند و یا ده روح دیگر همربینند. البته در سریال این اتفاق افتاده که روح دیگری هم ببینیم مانند روح آن استاد دانشگاه که مرد. این اتفاق هست که این ها، روح های دیگر هم ببینند اما همه جا نه و هر جایی روح های مختص خود را دارد. البته این تصور آقای افخمی بوده و شاید یک نفر دیگر فکر کند که نه ممکن است روح های سرگردان همه جا باشند و در یک خیابان 10 روح دیگر هم باشد. من فکر می کنم آنچه در سریال تصویر شده درست تر است. دلیل نمی شود که چون این آدم ها روح شده اند تمام روح های سرگردان دیگر را هم ببینند.

*معمولا روح قدرت بیشتری نسبت به انسان دارد و محدودیت های زمانی، مکانی و جسمانی را ندارند، در این سریال روح ها گاهی موانع را ندارند ولی گاهی هم محدود می شوند و شبیه انسان با مانع مواجه می شوند.

-در یک قسمت این سوال را امیرحسین از من می پرسد. چطور من در آن وانث نشسته بودم و یا چطور من الان تکیه می دهم به دیوار و من جواب می دهم که ما تصور می کنیم و ما همچنان فکر می کنیم که در جسممان هستیم و انگار اینها گاهی فراموش می کنند که روح شده اند و حواسشان نیست اما به محض اینکه حواسشان جمع می شود که روح هستند دیگر نمی توانند کارهای جسمانی اش را انجام دهد. آنها با تصورشان این کار را می کنند و در خیال خودشان است.

* روند انتخاب شما برای ایفای نقش روح در این سریال چگونه بود؟

-من قبل از این کار در تله فیلمی به کارگردانی آقای فرزاد موتمن حضور داشتم که با خانم شبنم قلی خانی در آن کار هم بازی بودم. خانم قلی خانی بعدا به من پیشنهاد دادند که آقای افخمی برای نقش روح در این سریال دنبال بازیگر می گردند و من هم شانس خود را امتحان کنم. تا جایی هم که خبر دارم آقای افخمی با چند تن از بازیگران مطرح و چهره نیز برای ایفای این نقش صحبت کرده بودند. من هم یک روز آمدم و با ایشان صحبت کردم، ایشان هم روز بعد با من تماس گرفتند و گفتند برای تست گریم بیایم.

*زمان آغاز کار چقدر از فیلمنامه کامل شده بود؟

-آن زمان که من آمدم حدود 5 قسمت از کار آماده بود و حتی کار کلید خورده و شروع شده بود، من خیلی دیر به جمع بازیگران پیوستم. بعد از آن هم که فیلمنامه یک قسمت یک قسمت می رسید و الان هم که یک سکانس یک سکانس می رسد.

*حضور در کارهای مناسبی با توجه به فشردگی کار چطور است؟

-خیلی سخت است. فشار کار خیلی بالاست و ما زمان کمی داریم. به معنای واقعی فرصتی برای خوابیدن نداریم و روزی 18 الی 19 ساعت کار می کنیم. ولی وقتی سریال پخش می شود خستگی ما هم در می رود.

*الان بازخوردهایی که گرفته اید چطور بوده است؟

خیلی خوب بوده و خدا را شکر خیلی ها خوششان آمده و مردم برایشان جذاب است و آن را پیگیری می کنند. من فکر می کنم که همیشه سریال های ماورائی هیجان انگیز است و چیزهایی که دیده نمی شود وقتی تصویر می شوند دیدنشان برای مردم جذاب است. (می خندد و می گوید همین الان که با شما صحبت می کنم چند پسرچه با دیدن من فریاد کشیدند وای روح... خانم روح)

* همه می گویند این سریال کپی از فیلم خارجی «روح" است؟

-این فیلم یک نمونه خارجی و قدیمی است که نمونه خیلی خوبی است. ولی سریال «پنج کیلومتر تا بهشت" کپی برداری نیست چون قصه این کارها هیچ ربطی به هم ندارد ولی یکسری مسائل ویزوالی نظیر عبور از در و دیوار و اینها طبیعی است و هر جای دیگر دنیا هم بخواهند چنین موضوعی را بسازند اصولا باید این چیزها را درباره روح نشان بدهند چون مردم توقع دارند.

*درباره سینما و شمال رفتن روح هم توضیح بدهید؟!

-من که هیچ وقت روح نبوده ام (با خنده) ولی اگر خدای نکرده چنین اتفاقی برایم بیافتد و 20 سال قرار است روح باشم، باید این سالها یک کاری بکنم. روح آدم همینطور که ما زنده هستیم به خیلی چیزها نظیر تفریح و آرامش و ... نیاز دارد و جسممان است که به خواب و غذا و ... نیاز دارد. روح هنوز این حس ها را دارد که مثلا حوصله اش سر برود و دوست دارد خیلی

کارها را بکند. اینها برای پر کردن وقت و این 20 سال است.

* برای ساخت سریال های مذهبی و دینی به ویژه که مسائل ماورائی را هم در خود داشته باشد، چون از سوی مخاطب به دقت و موشکافی پیگیری می شود احتیاج به تحقیق بیشتری هست، و اگر کمی مسائل جابجا شود، با واکنش مخاطب همراه خواهد شد، شما برای اینکه ایفای نقش یک روح که قرار است هدایت گر و هادی نیز باشد و در جاهایی امیرحسین را هدایت کند و برای اینکه نقش از لحاظ کارکردی درست از آب درآید، چقدر روی این موضوع تحقیق داشتید؟

-واقعیت این است که من فکر نمی کردم قرار است چنین نقشی را بازی کنم، ولی خودم از قبل یکسری مطالعات و دیدن فیلم هایی از این دست را دوست داشتم اما تا موقعی که من سر این کار آمدم به خاطر اینکه هیچ فرصتی نبود و این اتفاق یکباره برایم افتاد به آقای افخمی و آقای ابوالحسنی اطمینان کردم چون مطمئننا اینها بدون تحقیق و مطالعه چیزی ننوشته اند و اعتماد کامل به کارگردان داشتم و اگر جایی سوال خاصی برای من پیش می آمد، یا کسی چیزی از من می پرسید از آقای افخمی می پرسیدم و آن مسائل را برای خودم باز می کردم. در نهایت باز هم تاکید می کنم که به کارگردان اطمینان کامل کردم چون دیگر کاری از دستم بر نمی آمد و خیلی دیر به گروه پیوستم.

*در حقیقت شما هرآنچه آنها تحقیق کرده و نوشته بودند بازی کردید؟

-درست است.

*تعامل شما با گروه به ویژه هم بازی‌هایتان چطور است؟

-خیلی خوب. با خانم قلی خانی و آقای سلوکی خیلی خوب است و در این کار به هیچ مشکلی برخوردیم. پارتنرهایم به خوبی با من تعامل کردند و ما خیلی سریع هماهنگ شدیم.

*تبدیل به چهره ای تلویزیونی آن هم در نقش یک روح، ریسک نیست؟

-بله واقعا ریسک است. اما بعد از این سریال، بقیه نقش هایم به انتخاب خودم و هوش کارگردانان بستگی دارد. متاسفانه این مشکل را ما داریم که هر بازیگر با هر نقشی که می آید و دیده می شود، در همان قالب و نقش می ماند. یکسری مقصر خودشان هستند و یکسری هم کارگردان ها. ولی من فکر نمی کنم که دوباره این کار را انجام بدهم و به سراغ نقش های دیگر می روم.

*یعنی دیگر هیچ وقت روح نمی شوید؟

-مگر اینکه روح خیلی خاصی باشد. کلیشه شدن بد است و نمی خواهم به این ورطه بیافتم.

*شما وقتی جسم‌تان را در سریال نشان بدهند باید پیر شده باشید؟

-بله دقیقا. فعلا زندگی این روح گنگ است و در قسمت های بعدی به طور کامل برای مخاطب باز می‌شود.

*بحث طی الارض که در سریال مطرح می‌شود نیز دچار اشکال است، متوجه این اشکال شدید؟

-آخر من نمی‌دانم که واقعا چطور است. تجربه و لمس نشده و شاید کارگردان دیگری این مقوله را جور دیگری نشان بدهد.

*روح سریال #171: پنج کیلومتر تا بهشت؛ گاهی خود به خوبی امیرحسین را هدایت می کند ولی گاهی هم منکر همه چیز می‌شود و امیرحسین او را هدایت می کند، این تضاد چگونه شکل گرفت؟

-درست است و من این مساله را خیلی دوست داشتم. آدمی که دچار تضاد و دوگانگی است و گاهی شاک می شود و می‌گوید که من 20 سال است که روح هستم و خدا هنوز مرا نبخشیده است. کفر نمی‌گوید و شکایت هایی است که همه انسان های عادی در زندگی خود دارند و من فکر می کنم که از وقتی امیرحسین به زندگی این دختر آمد به چیزهایی هم که معتقد نبود معتقد می شود.

*این روزها بیشتر با چه پرسشی از سوی مخاطبان خود مواجه هستید؟

-می پرستد که بالاخره زنده می شوی یا نه؟ آخر سریال چه می شود.

*حال در آخر زنده می شوید؟

-هنوز معلوم نیست. چون فیلمنامه یک سکانس یک سکانس به دست ما می رسد. بلا تکلیفم و هنوز هیچ چیز قطعی نشده است.

*این روزها اگر نام شما را در اینترنت جستجو کنیم در بیوگرافی شما عنوان می شود که شما قبلا مدل لباس بوده اید، این مساله صحت دارد؟

خیر. مدل لباس نیستم. طی این چند روز خیلیها این مطلب را به من گفته اند ولی این مطلب صحت ندارد. چند سال پیش قرار بود در پروژه‌های تبلیغاتی حضور داشته باشم ولی منتفی شد.

گفت وگو از: مریم فیروزفر